

عنوان مقاله:

(تجلی عناصر اسطوره جاودانگی و چاره مرگ در متون نثر عارفانه)

محل انتشار:

فصلنامه عرفان اسلامی، دوره 20، شماره 77 (سال: 1402)

تعداد صفحات اصل مقاله: 18

نویسندگان:

ندا حاج نوروزی - دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه لرستان، ایران.

محمد رضا حسنی جلیلیان - دانشیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه لرستان، ایران. Jalilian.m@lu.ac.ir

سید محسن حسینی - دانشیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه لرستان، ایران.

خلاصه مقاله:

عکس‌العمل‌های فطری و عاطفی آدمی در مقابل هراس از نیستی، از دوره اساطیر تا کنون به اشکال مختلف پدیدار شده‌است. بخشی از این عکس‌العمل‌ها به صورت روایات اسطوره‌ای و برخی به شکل آموزه‌ها و باورهای اعتقادی حول مفهوم جاودانگی متجلی شده‌است. دقت در روایات و باورهای شکل‌گرفته از این موضوع نشان‌می‌دهد که آرزوی خلود در این جهان، موجب شکل‌گیری مضامینی همچون: دست‌یافتن به آب حیات، رسیدن به درخت زندگی، تناسخ و پیکرگردانی، رویتنی و ازدهاکشی شده‌است؛ اما تسلیم و پذیرش این حقیقت که حیات جاودان در جهان فانی، مقدور نیست، بشر را واداشته عطش خود به جاودانگی را با خلق مضامینی همچون: ماندگاری نام، نسل، باقیات صالحات مادی و معنوی و از همه مهم‌تر انتقال و عروج به سرزمین بی‌مرگی، فروبنشانند. در نهایت فطری‌ترین پاسخ بشر، یعنی رستاخیز و بازگشت به خاستگاه نخستین و حیات جاودانه پس از مرگ در ادیان مطرح شده‌است. مسئله این پژوهش راه‌حل اختصاصی عارفان برای غلبه بر این هراس و چگونگی تجلی مضامین آن در متون نثر عرفانی است. بررسی توصیفی تحلیلی برخی از متون منثور عرفانی تا قرن هفتم نشان‌می‌دهد عارفان مسلمان نیز همراه با سیر تفکر بشری از نمادهای و روایات جاودانگی متأثر بوده‌اند؛ اما گروهی از عارفان، با تلقی خاص از داستان خروج آدم (ع) از بهشت، از دست‌رفتن جاودانگی را ناشی از طلب جاودانگی فرض کرده و رسیدن به خلود واقعی را در گرو فنا دانسته‌اند. آنان معتقدند برای رسیدن به خلود راستین باید از زمان ازلی و ابدی هم گذشت و با «فنا‌ی محض» در خالق زمان، محو و «گم‌بوده پابنده» شد.

کلمات کلیدی:

واژگان کلیدی: اسطوره، جاودانگی، فنا، بقا، نثر عرفانی

لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/1766061>

